

## معرفی کتاب:

## جنگ نامتقارن

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۳

کنت مکنزی، **جنگ نامتقارن**، ترجمه: عبدالمجید حیدری و محمد تمنایی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۲، ۱۹۱ ص.

مفاهیم تاریخ جنگ و درگیری، بیانگر شواهد بسیاری از سیر تکامل مفاهیمی است که پیش از این، تنها از یک بُعد مورد توجه قرار گرفته و اینک، به لطف توسعه علوم مختلف و همپوشانی‌های زمینه‌های گوناگون علمی، از ابعاد بیشتری می‌توان آنها را مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر؛ در تاریخ درگیریهای نظامی، قرینه‌های بسیاری برای مفاهیم امروز دنیای جنگ یافت می‌شود که هر چند اربابان این مفاهیم در گذشته، بیش از آنی که تجلی عملی و عینی مفاهیم خود را در صحنه نبرد بر مبنای تحقیقاتی خود آگاهانه پی ریخته باشند، وامدار شَم و نبوغ ذاتی و احساس نیاز فطری به ادامه بقاء در ضمیر ناخود آگاه خود بوده‌اند مفهوم «جنگ نامتقارن» نیز از همین مقوله است.

«جنگ نامتقارن» که امروز در قالب استراتژی، عملیات، تاکتیک، تکنیک، ابزار و شیوه نبرد، مورد توجه کارشناسان و صاحب نظران امور دفاعی قرار گرفته، بیش از یک دهه نیست که در ادبیات سیاسی و نظامی غرب مطرح شده است. یکی از دلایل مورد توجه قرار گرفتن این مفهوم از میان رفتن نظام دو قطبی به

طور عام و تبدیل شدن آمریکا به یک تهدید جهانی برای اغلب کشورهای دنیا به طور خاص است. شاید به همین دلیل نیز نویسنده کتاب مورد بحث، سعی کرده تا این مفهوم (جنگ نامتقارن) را به چالش بکشد.

کتاب «جنگ نامتقارن» توسط آقای «کنت مکنزی» به نگارش درآمده و آقایان: عبدالمجید حیدری و محمد تمنایی آن را ترجمه کرده و دانشکده فرماندهی ستاد (دوره عالی جنگ) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۹۱ صفحه به چاپ رسانده است.

کتاب فوق در شش فصل تنظیم شده است در فصل اول، نخست به تعریف عدم تقارن و ریشه تاریخی آن در آمریکا و بیان نظرات صاحب نظران و تعاریفی که از این مفهوم در ستاد ارتش و نیروی زمینی آمریکا در این عرصه پرداخته شده است. در ادامه به بیان ویژگیهای جنگ نامتقارن و ارتباط آن با منابع در رویکردهای ممکن از آن در آمریکا از طریق به کارگیری ماهرانه عامل روانی و اثر آن بر هدف قرار دادن اراده دشمن می‌پردازد و با ذکر نمونه‌هایی در این زمینه و مقایسه آنها، وارد بحث رویکرد نامتقارن و چگونگی به کارگیری آن در سطح جنگ و تأثیر بر سطح استراتژیک می‌پردازد. سپس با بیان مهمترین مسأله در میزان خسارتی که یک عملیات نامتقارن مؤثر بر هدف مورد نظر وارد می‌آورد، میزان اهمیت تعیین کارایی را در ارزیابی رویکردهای نامتقارن مورد بررسی قرار می‌دهد و با بیان اینکه اقدامات و گزینه‌های استراتژیک است که ماهیت تهدید نامتقارن را رقم خواهد زد، به نحوه پاسخگویی دشمنان اشاره کرده، با طرح ملاحظات فرهنگی، بحث توانمندیهای بالقوه طرف مقابل را در چگونگی پاسخ به نحوه ارتباط یا مقابله با آمریکا و چگونگی استفاده از ابزار و تجهیزات در این مقابله بیان می‌کند. در پایان فصل نیز با اشاره به جنگ نفت کشها در خلیج فارس به عنوان مصادیق معاصر، در هر نمونه به اشکال نامتقارن جنگ پرداخته، و سپس نتیجه‌گیری می‌کند.

در فصل دوم تحت عنوان «نوع شناسی عدم تقارن» تلاش شده است تا با استفاده از چارچوب «چه چیز، چه کس، چه وقت» و بر اساس مضامین مطرح شده در فصل اول، گستره احتمالی تهدیدات نامتقارن را، که ممکن است تا سال ۲۰۱۰ با آن مواجه بشود شرح داده، نتیجه‌گیری مناسبی در این زمینه ارائه دهد. بدین منظور، نخست با طرح سؤال: «انواع کلی رویکردهای نامتقارن بالقوه‌ای که از نظر منطقی می‌توانیم انتظار وقوع آنها را داشته باشیم کدامند؟»، گستره احتمالی

تهدیدات نامتقارن را طرح و با استفاده از کاربردهای تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیک جنگ افزارهای هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی، عملیات‌های اطلاعاتی و پالسه‌های الکترو مغناطیسی تلاش می‌نماید تا به سؤال فوق پاسخ دهد. سپس «چه کس» را به لحاظ نظری بررسی کرده و در ادامه نیز سؤال «چه وقت» را مورد بحث قرار می‌دهد. سپس به اهمیت زمان سنجش در بحث عدم تقارن می‌پردازد، به گونه‌ای که در مراحل مختلف یک بحران، رویکردهای مختلفی را می‌توان به کار گرفت. آخر فصل نیز با بررسی نتایج کلی حاصل از این تجزیه و تحلیل به پایان می‌رسد.

در فصل سوم تحت عنوان «نگریستن در آینه: نقاط آسیب پذیر نا متقارن آمریکا»، بیان می‌کند که بر اساس درون مایه اصلی این تحقیق، سهم وزارت دفاع در سیاست ملی آمریکا - در کوتاه مدت تا میان مدت - مبتنی بر امکان حفظ برتری متعارف نظامی مطلق و نیز توانایی دفاع از کشور در مقابل تهدیدهای نامتقارن بالقوه است این فصل، ضمن ترسیم ساختار مفهومی عملیات‌های نظامی آمریکا و مهمترین عوامل فیزیکی و روانی این سرزمین، نقاط بالقوه آسیب‌پذیری موجود در این مفاهیم و ساختارها را توصیف و بررسی کرده است.

در پایان فصل نیز با ارائه نتایجی، حملات نامتقارن بالقوه علیه آمریکا و نیروهای آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

در فصل چهارم با یادآوری سه فصل گذشته، سعی می‌کند ساختارهای نظامی و غیر نظامی و عملیات نظامی آمریکا را به عنوان یک سری اهداف بالقوه برای بازیگران جنگ نامتقارن شرح دهد. لذا در این فصل به برقراری رابطه میان این دو موضوع پرداخته و خطرناکترین تهدیدات علیه آمریکا را برشمرده و تا حدودی آنها را شرح می‌دهد.

در این فصل به عنوان زیر ساخت فصل پنجم، موضوع عمده تحقیق (اقدامات ویژه‌ای که می‌توان برای حفظ یکپارچگی و برتری نظامی در برابر حملات نامتقارن صورت داد) ارائه می‌گردد.

لذا با طرح سناریوهایی با عناوین زمین مورد منازعه، حمله رایانه‌ای به نیویورک، رسیدن به هدف، گم شدن در تاریکی، رفتن به شهر، تاکتیک زمین و جنگاوری، تهدیدات نامتقارن مهمی را که پیش روی آمریکا می‌تواند باشد مطرح و سؤال می‌نماید که،

«برای مقابله با آنها چه باید کرد؟» در فصل بعدی سعی می‌شود تا به این سؤال پاسخ دهد.

فصل پنجم با عنوان «مقابله با تهدیدات نامتقارن: گزینه دشوار»، با ارائه رؤس کل اقداماتی آغاز می‌شود که در حال حاضر برای کاهش خطرات ناشی از تهدیدات نامتقارن علیه آمریکا می‌توان انجام داد، و خلاصه‌ای را از برنامه‌ها و سیاستهای موجود در ارتباط با هر تهدید معرفی می‌کند. نویسنده کتاب بر این باور است که ارائه هر پیشنهادی برای اقدامات آتی باید از زمینه‌های منطقی در سیاستهای جاری برخوردار باشد. لذا پیشنهاد ایجاد یک الگوی مفهومی گسترده را برای مقابله با تهدیدات نامتقارن، که چارچوبی برای پاسخهای مشخصی ایجاد می‌کند، به عنوان نقطه شروع ارائه می‌دهد. سپس سه تفکر را برای مقابله با تهدیدات نامتقارن معرفی می‌کند و متناسب با هر یک، پیشنهادهایی را مطرح می‌کند که نارساییهای موجود در رویکردهای جاری را مورد توجه قرار می‌دهد. برخی از این پیشنهادها عرصه‌ای وسیع‌تر از وزارت دفاع را در بر می‌گیرد. این فصل نیز با بررسی هزینه‌های بالقوه برنامه‌ای و سیاسی اجرای این پیشنهادها خاتمه می‌یابد.

نگارنده در فصل پایانی کتاب تحت عنوان «نتیجه‌گیری: آتنی‌های بی‌قرار» ضمن اشاره به آنچه در پنج فصل گذشته به آن پرداخته است، بیان می‌کند که اگر ما مردم «آتن» هستیم، باید آتنی‌های ناآرامی باشیم و به یاد داشته باشیم که درست است ملوسی‌ها (Melians) در نهایت تسلیم قدرت «آتن» شدند، اما فاقد گزینه‌های نامتقارنی بودند که اکنون در اختیار دشمنان بالقوه ماست. «آتنی‌ها» سرانجام از صحنه روزگار محو شدند؛ زیرا نمی‌توانستند خود را با چالشهای استراتژیک جدید تطبیق دهند.

سعید شهلانی مقدم